انترناسیونال ۶۹۱

**مصاحبه عڵیرضا میبدی با مینا احدی!**

**علیرضا میبدی:** خانم مرکل در انتخاباتی که در حزبش شد با هشتاد و پنج و پنج دهم درصد به رهبری حزبش دوباره برگزیده شد خانم مرکل  در این کنگره سخنرانی کردند که سخنرانی بسیار مهمی بود. خانم مینا احدی، عزیزی که یکی از فعالترین زنان ما در اتحادیه اروپا است در ماینز با معاون خانم مرکل نشستی داشتند و همچنین سخنرانی کردند که سخنرانی بسیار مهمی بود. خانم مینا احدی بویژه در باره ممنوعیت برقع صحبت کردند که بی اندازه مورد استقبال قرار گرفت. ببینیم در آنجا چه خبر بوده.

خانم مینا احدی درود بر شما!

**مینا احدی:** من هم سلام عرض میکنم خدمت شما و همه شنوندگانی که پای برنامه شما هستند.

***میبدی:*** *فکر میکنم سخنرانی شما بسیار مهم بوده این سخنرانی شما در کابینه خانم مرکل دیدم انعکاس پیدا کرده است.*

**مینا احدی:** در مجموع میتوانم بگویم از سال ٢٠٠٨ توی آلمان روی این موضوع خیلی کار کردم، جمعیتی هستیم که بالاخره این فعالیتها را کردیم، شاید فرصت نباشد که توضیح بدهم که در طول این ده سال مثلا چندین جلسه برگزار شده در دانشگاههای مختلف، من بارها هم مقاماتی از دولت را ملاقات کرده ام هم حزب سوسیال مسیحی و هم حزب خواهرش دمکرات مسیحی، اینها خودشان مرا دعوت به ملاقات کرده اند و از مقامات اصلیشان مثلا در بایرن وزیر داخله در جلسه بود و خیلی از مقامات دیگرشان، در عین حال ما دو سه ماه قبل با ده نفر از شخصیتهای مهم آلمانی که منتقد دخالت سازمانهای اسلامی هستند یک بیانیه مشترک دادیم، خطابش اساسا به دولت بود فرستادیم برای دولت آلمان و اگر بحث ممنوعێت برقع هست روی این خیلی فشرده کار کردیم و جلسه ای که در شهر ماینز بود که خانم  کولکنرکه معاون خانم مرکل آنرا سازمان داده بود و ١٠٠ نفر را دعوت کرده بود از آلمان شخصیتهای مهم روانپزشکها، اسلام شناسان، کسانی که روی این مسائل دارند کار میکنند و  منتقدین را دعوت کرده بودند که من آنجا سخنرانی کردم و البته خیلی خوب استقبال کردند و بعد خود خانم  کولکنر هم با من صحبت کرد. بعد اینرا اضافه کنم که در دو استان مثلا در بادن ورتنبرگ وقتی پارلمان میخواست درخواست ممنوعیت  برقع را رسیدگی کند، برای من یک نامه  آمد و از من خواسته بودند که نظرم را راجع به این  موضوع بگویم و پرسیده بودند که تو چه پیشنهاداتی راجع به این موضوع داری. میخواهم بگویم که من خیلی از نزدیک این مسائل را تعقیب کردم و صدای ما را و یا صدای مرا خیلیهایشان شنیدند که دارم چه میگویم و چه حرفهایی میزنم و الان هم همانطور که شما اشاره کردید خانم مرکل در سخنرانی کنگره خودشان تا آنجا که به این بحث بر میگرده گفت صورت نباید  پوشیده باشد و گفت که شریعه نباید وارد سیستم بشود، گفت ما از جامعه موازی دفاع  نمیکنیم و اینها بنظر من بحث های بسیار مهمی هستند و تاثیرات خیلی زیادی خواهد داشت روی این قسمت از مسائل که ما رویش فوکوس کرده ایم و داریم کار میکنیم.

***علیرضا میبدی:*** *من با استدلال شما آشنا هستم در مورد برقع و نقاب مذهبی. خوب استدلال خانم مرکل چی بود؟ چرا برقع نه؟*

**مینا احدی:** استدلالهایش اساسا روی این بود که جامعه آلمان آزاد است و وقتی آدمها با هم کنتاکت و رابطه برقرار میکنند صورت باید دیده بشود. هر نوع پوشیده شدن صورت به انتگراسیون و ارتباط برقرار کردن افراد در این جامعه لطمه میزند، ما از آزاد بودن جامـعه مان دفاع میکنیم و خواهان ممنوعیت برقع هستیم و در عین حال بحثش را ادامه داد و گفت یک بحثی هست در آلمان که آیا اسلام به آلمان تعلق دارد یا نه، که خانم مرکل قبلا هم گفته بود که آره اسلام هم به آلمان تعلق دارد. مثلا از من می پرسیدند دراین مورد نظرت چیست، من جواب میدادم که این سوال، سوالی خیلی عجیبیه، مثلا مثل اینه که بگوییم آلمان به قرون وسطی تعلق داره یا نه؟ یک سوالیه که  بسیار بد فرموله شده، معلومه مردمی که از کشورهای دیگر آمدند، که مسلمان هستند، یهودی هستند، بعضی هاشون بهایی اند، یا از ایران و افغانستان و هرجای دیگری آمدند این مردم به جامعه آلمان تعلق دارند، ولی اسلام  اینکه قانون عوض بشود و شریعه پیاده بشود و یواش یواش در اینجا جا باز کند و مثلا جدا سازی جنسیتی بشود. این نباید قبول بشود و بنظرم ایندفعه خانم مرکل روی اینهم حرف زد و گفت شریعت و قوانین اسلامی هیچ جایی در جامعه آلمان ندارد و بنظر من این مهم بود و واقعا در عین حال نتیجه کار ماهاست که تو این جامعه خیلی زحمت کشیدیم. که بنظر من دولت آلمان اشتباه میکرد مثلا ما داریم در چند سال اخیر نقد میکنیم دولت آلمان را که با سازمانهای اسلامی دارد همکاری میکند، میخواست از این طریق مردم در آلمان انتگره شوند که این سیاست غلطی بود که بنظر من در این کنگره دارند اینرا تصحیح میکنند و این بسیار مهم است.

***علیرضا مبیدی:*** *اینها تصور میکردند که اون سیاست قدیمی کمک میکند به خارجیها بویژه مردم کشورهای خاورمیانه که به کشورهای اروپایی آمده اند، اینها به یکنوع هماهنگی فرهنگی برسند یا هماهنگی اجتماعی که حل بشوند در جامعه. اما این سیاست شکست خورده نزدیک به نیم قرن و بنظر من سخنان خانم مرکل یک نقطه عطف شجاعانه است. بنظر شما نیست؟ پیش از این چنین حرفهایی نشنیده بودیم.*

**مینا احدی:** دقیقا، بنظر من هم به همین دلیل بسیار مهم بود. این بخش از صحبت هایش خوب بود. خانم مرکل سخنرانی طولانی کرد راجع به همه مسائل من راجع به آنها حالا حرف نمیزنم تا آنجایی که به این قسمت بحث بر میگردد اتفاقا نکته مهمی برای من بعنوان کسی که در این عرصه کار میکردم یک تغییر سیاست است و در عین حال اعلام یک سیاست جدید که فرق میکند. مثلا خانم کولکنرکه مرا هم دعوت کرده بود بارها آمده در تلویزیون و دفاع کرده از ممنوعیت برقع ولی این فرق میکند، میگفتند نظر یک نفر دارد مطرح میشود در حزب سوسیال مسیحی یا یکی از مقامات ارشد این حزب ولی مرکل خیلی جایگاهش فرق میکند و در کنگره حزبشان دارد اینرا مطرح میکند بنظر من سیاست در آلمان عوض خواهد شد و این به نفع مردمی هست که از کشورهای مختلف خاورمیانه و اسلامزده به آلمان آمده اند و در این کشور دارند زندگی میکنند. خیلی به نفع زنان، خیلی به نفع دختران جوان تمام خواهد شد. چون ما در عین حال خواهان این هستیم که همه دختران بتوانند در کلاسهای ورزشی، شنا و یا کلاسهای آموزش روابط جنسی شرکت کنند که بدلایلی خانواده ها مخالفت میکنند و سیستم اعلام میکند که تولرانس داریم در مقابل فرهنگ خانواده، پس این کودکان از کلاس شنا و یا کلاس آموزش روابط جنسی محروم میشوند.

خانم مرکل ادامه داد بحثش را و گفت هیچ قانون خانوادگی، عشیرتی، قبول نیست و قانون برای همه اینجا یکسان است و این چیزی است که ما مدتها ست داریم میگوییم، ما میگوییم یک قانون برای همه، میگوییم هر آدم یک قانونی که وجود دارد در موردش باید صدق کند. نمیتواند بگوید من مسلمانم و بچه ام را کتک میزنم، من مسلمانم و بزور دخترم را شوهر میدهم. اینها چیزهایی است که در جامعه آلمان عوض خواهد شد و این نتیجه فعالیت خیلیهاست و برای خود من این سخنرانی خانم مرکل نقطه عطف مهمی بود و خیلی هم خوشحال هستم در این مورد.

***علیرضا مبیدی:*** *خانم مینا احدی عزیز در آمریکا تا بحال که اتفاقات تروریستی میافتاد که به اصطلاح اسلامگرایان درآن دخیل بودند پرهیز میشد در بیانیه ها یا در ادبیات رسمی که منتشر میشد بگویند تروریسم اسلامی یا تروریسم مذهبی، میگفتند تروریسم و لاغیر و بارها حتی از طرف کاخ سفید تاکید میشد که اقداماتی که انجام گرفته تروریستی است و ما صفت به آن  نمیدهیم، صفت مذهبی، خوب به نظر من این یک اشتباه بزرگی بود چون همه ما باید قبول بکنیم که بالاخره اینهایی که دست به عملیات تروریستی میزنند بر پایه خوانش و قرائت خودشان از اسلام است که دست به عملیات تروریستی میزنند. و این یک نوع انکار و گریز از واقعیت بود ولی یواش یواش دارد اینهم در اینجا عوض میشود. اخیرا من دارم میبینم در بحث های سیاسی دیگر با صراحت از تروریسم اسلامی سخن میگویند و اشاره شان هم به خوانش و قرائت عده ای از احکام مذهبی است و بنظرم کاملا درست است، میخواهم بدانم نظر شما در این مورد چیست، در اروپا چه خبر؟*

**مینا احدی:** بنظر من طبعا اروپا خیلی پیشرفته تر است به نسبت آمریکا و فضایی که راجع به این موضوع وجود دارد، بنظر من این اشتباه بزرگی است که مطرح نشود همانطور که شما اشاره کردید که اوباما خیلی اینطوری حرف میزد که نمیگفت تروریسم اسلامی و اصلا این کلمه را بکار نمیبرد. در اروپا اینطوری نیست اینرا میگویند و بحث میکنند که چرا این اتفاقات دارد میفتد، نکته ای که هست بنظر من در اروپا ما سعی کردیم اینرا به الیت این جامعه به روشنفکران به نویسندگان، کسانی که توی مطبوعات کار میکنند بفهمانیم به درجاتی آنهم این که ما با یک جنبش اسلامی طرف هستیم که اینها برای قدرت گرفتن دارند فعالیت میکنند در ایران قدرت را در دست گرفتند بعد از آن شروع شده اصلا و الان سازمانهای تروریستی اسلامی در اروپا سعی میکنند از این طریق قدرقدرتی کنند و یکجورایی خودشان را تحمیل کنند بر جامعه اروپا اینرا باید دید و راجع به آن صحبت کرد، اینکه بحث بعضی وقتها خیلی پیچیده و عجیب میشود، یک نکته مهم است آنهم سازمانهای دست راستی دارند خیلی رشد میکنند که در آمریکا من دقیق اطلاع ندارم ولی در اروپا در خود آلمان آ اف د با انگشت گذاشتن روی همین مسائل جلو میرود بعد خیلی از متفکرین در آلمان را میبینیم که بحث را اینقدر کش میدهند مثلا میگویند هر مسلمانی در خود یک بمب انفجاری است که ممکن است امروز یکی منفجر بشود یکی فردا، یعنی یک تحلیل تئوریک است که نهایتا منجر میشود به راسیسمی خیلی گسترده و ضد خارجی، بنظر من این یکی از خطرهاست. من همیشه گفته ام که اگر در مورد مشکل درست حرف نزنیم اگر راه حل درست نشان ندهیم اگر روی آن فقط یک پرده بکشیم و بگوییم هیچ نیست آنها راجع به آن حرف میزنند و نیرو میگیرند به این معنا از نظر من بسیار مهم است، از نظر من هم بحث مذهب اسلام و همه مذاهب باید فضا وجود داشته باشد که بتوانی نقدش کنی بتوانی بگویی چطور بود تاریخ روی کار آمدن مذهب، مثلا در اسلام چه اتفاقاتی افتاده اینها بحث هایی هستند که در آلمان مطرح است مثلا آقای حامد عبدالصمد یک کتاب نوشته گفته که پیغمبر همین جوری شروع کرده حمله کرده و غیره. ایشان فاشیسم اسلامی را در این کتاب بررسی میکنند. اینها در اروپا تابو نیست راجع بهش صحبت میشود ولی نکته اصلی این است که یک جنبش اسلامی وجود دارد که از طریق ترور سعی میکند قدرت بدست بیاورد و قبلا در کشورهایی مثل ایران، عراق و افغانستان قدرت را بدست گرفته و در اروپا هم  تلاش میکند جلو برود.

***علیرضا مبیدی:*** *پس بنظر شما باید اول صورت مسئله را درست نشان داد مشکل در کشورهای اروپایی این بوده که متاسفانه اول صورت مسئله را بد توضیح داده اند و میگویند چرا مسئله حل شدنی نیست، چرا خارجیها با ما خوب نیستند چرا در درون جامعه ما حل نمیشوند ما داریم امتیاز میدهیم کمک میکنیم تحصیل رایگان حق و حقوق برایشان قایلیم و اینها اصلا به این امتیازات توجه ای ندارند و دارند راه خودشان را میروند، میگویید که اینها صورت مسئله غلط روی میز گذاشته اند.*

*خانم مینا احدی خیلی تشکر میکنم از شما. واقعا خانم مینا احدی خیلی موثر بوده اند در این راه.*

**مینا احدی:** خیلی ممنون با تشکر از شما